

بیانات رهبر انقلاب

در پایان مجلس عزاداری سالروز

شهادت حضرت امام باقر علیه السلام





بیانات رهبرانقلاب در پایان مجلس عزاداری
سالروز شهادت حضرت امام باقر علیه السلام

❖ افزایش جمعیت شیعیان والحاق آنها به یکدیگر، توسط امام باقر علیه السلام

اینکه در مورد اصحاب امام صادق (علیه السلام) گفته میشود «چهار هزار نفر»، اینها از کجا آمدند؟ چه کسی درستشان کرد؟ به قول شما، چه کسی چهار صد نفر را کرد چهار هزار نفر؟ این روایت از امام صادق (علیه السلام) را من مکرّر در این جلسات خوانده‌ام که «إِرتَدَّ النَّاسُ بَعْدَ الْحُسَيْنِ إِلَّا ثَلَاثَةً»؛^(۱) حالا بعضی روایات «إِلَّا ثَلَاثَةً» دارد، یک روایت [هم] مثلاً «إِلَّا خَمْسَةً» دارد. یعنی ماجرای عاشورا آن چنان ربی در دل همه در دنیای اسلام انداخت که ببینند این حکومت این قدر خشن است، این قدر بی ملاحظه است که از فرزند پیغمبر نمی‌گذرد و این جور با او و خانواده‌ی پیغمبر رفتار میکند! [لذا] دلها آن چنان مرعوب شد که دُور و بَر حضرت سجاد (علیه السلام) همین سه نفر یا چهار نفر یا پنج نفر بیشتر نماندند. همه‌ی اینها هم در مدینه نبودند؛ یکی دو نفرشان مثلاً در کوفه بودند. این چهار پنج نفر را حضرت مثلاً در ظرف ۳۵ سال [جمع کردند و] آرام آرام زمینه‌ها را آماده کردند.

بعد نوبت به امام باقر (علیه السلام) که میرسد، این جمعیت زیاد میشود؛ در همان روایت هست که «ثُمَّ إِنَّ النَّاسَ لَحِقُوا وَكَثُرُوا»؛ آرام آرام ملحق شدند، آمدند متّصل شدند. چه کسی اینها را ملحق میکرده؟ امام باقر. برای اینکه ترس از دلها برود، فقط بیان مباحث دینی و فقه و مانند اینها کافی نیست؛ چیزهای دیگری لازم است. شما می‌بینید؛ در دنیا امروز جور دیگری باید حرکت کرد، جور دیگری باید حرف زد تا انسان بتواند آن سه چهار نفر معدود را تبدیل کند به صدها نفر و بعد هزارها نفر؛ این کار را امام باقر کرده.

❖ اقدامات امام باقر علیه السلام با وجود سخت‌گیری‌های بنی امیّه و بنی مروان

برایشان

این حرفی هم که گفته میشود که امام صادق و امام باقر از فرصت دعوای بین بنی امیّه و بنی عباس [استفاده کردند]، این مال زمان امام باقر

نیست؛ اصلاً آن زمان مطلقاً دعوایی نبوده. حضرت از سال ۹۵ تا ۱۱۴، نوزده سال در عین شدّت [زندگی کردند]؛ یعنی ایشان معاصر بودند با هشام و قبل از هشام با چند نفر دیگر از این افراد خبیث ظالم هتّاک بنی امیّه و بنی مروان. حضرت در مقابل اینها بودند و با وجود اینها این کارها را کردند؛ یعنی این قدرت تأثیرگذاری و قدرت توسعه‌ی تفکّر و افزودن بر افرادی که داخل این میدان هستند، کار امام باقر (علیه الصّلاة والسّلام) است. در مورد هیچ کدام دیگر از ائمّه این جور وضعی نداریم. البتّه در مورد ائمّه‌ی آخر- یعنی حضرت هادی، حضرت جواد، حضرت عسکری- آنجایک نوع دیگری وجود دارد، امّا این شکلی که در زمان امام باقر است [نبوده]. وضع ایشان جوری بوده که ایشان را تبعید کردند؛ یعنی احضار کردند به شام. میدانید امام باقر (علیه السّلام) تنها امامی هستند که دو بار به شام به اسارت برده شدند: یک بار در چهار سالگی در زمان یزید، یک بار هم در زمان هشام که ایشان و امام صادق (علیه السّلام) را با هم بردند و قضایایی در این سفر اتفاق افتاد که خیلی مهم است؛ یعنی اینها را باید در زندگی امام باقر (علیه السّلام) مورد توجّه قرار داد.

❖ استمرار مبارزه از طریق عزاداری؛ ابتکار سیاسی امام باقر علیه السلام

آن وقت، به این اکتفا نمیکنند. این مبارزاتی که انجام گرفته باید ادامه پیدا کند، لذا سفارش میکنند که در مناده روز برای من عزاداری کنید! امام که محتاج عزاداری نیست، امّا میخواهد این را. در منا مردم فارغند، از همه جای دنیا آمده‌اند، بعد می‌بینند مجلس عزاداری است، [میپرسند] این [برای] کیست، چرا عزاداری میکنید، چرا اینجا، چه اتفاقی افتاده؛ به این ترتیب، پیام امام باقر به اکناف دنیای اسلام از این طریق میرسد. خود این یک ابتکار بسیار مهمّ سیاسی است.



دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای